بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ

ترجمه و حل تمرینات عربی یازدهم تجربی و ریاضی

الدرس الاول

از آیه های اخلاق

ای کسانی که ایمان آورده اید نباید گروهی)ازمردان(، گروهی دیگر را مسخره کنند شاید)آن مسخره شده ها(بهترازآنها باشند. ونباید زنانی، زنانی دیگر را)مسخره کنند(شاید)آن مسخره شده ها(بهتر از آنها باشند.

وازخودتان عیبجویی نکنید وبه یکدیگرلقب های زشت ندهید. بداست پس ازایمان آوردن نام فاسق)برکسی نهادن(. وهرکس توبه نکند پس آنان همان ستمکارانند.

ای کسانی که ایمان آورده اید ازبسیاری از گمان ها بپرهیزید همانا بعضی از گمان ها گناه است. و تجسس نکنید و نباید بعضی ازشما غیبت بعضی کند. آیا کسی ازشما دوست دارد گوشت برادرش را که مرده است.بخورد. البته ازآن متنفّرید)بیزارید(و ازخدا پرواکنید که خداوند بسیار توبه پذیرِمهربان است.شاید دربین مردم کسی باشد که ازما بهتر است. پس باید از خودپسندی دوری کنیم و عیب های دیگران را با سخن پنهانی یا با اشاره ای بیان نکنیم.امیرمؤمنان علی)ع(فرموده است: بزرگترین عیب آن است که آنچه راکه مانندآن در توست)برای دیگران(عیب بشماری.

آیه اول به ما پندمی دهد ومی گوید: ازدیگران عیبجویی نکنید. و آنها را با لقب هایی که آن را ناپسندمی دارند، لقب ندهید. چه بد کاری است آلوده شدن به گناه. وهرکس آن را انجام دهدپس او ازستمکاران است.

بنابراین خداوند متعال دراین دو آیه حرام کرده است:

۱ دیگران را مسخره کردن، و آنها را با نام های زشت نامیدن. -

۲ بدگمانی را، و آن تهمت زدن شخصی به شخص دیگربدون دلیل منطقی است. -

۳ تجسس کردن را، وآن تلاشی زشت برای آشکارکردن رازهای مردم بخاطر رسوا کردنشان است. وآن از گناهان بزرگ واز اخلاق بد درمکتب ماست.

۴ و غیبت کردن را، وآن از مهمترین علت های قطع ارتباط بین مردم است. -

بعضی ازمفسّران سوره ی حجرات را که این دوآیه درآن آمده است، سوره ی اخلاق نامیدند

عَيِّنِ الصَّحيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرسِ:

١- سَمَّى بَعضُ الْمُفَسِّرينَ سورَةَ الْحُجُراتِ بِعَروسِ الْقُرآنِ. .....

٢- حَرَّمَ اللهُ في هاتَينِ الْيَتَينِ ا لِسْتِهْزاءَ وَالْغيبَةَ فَقَطْ. .....

٣- اَلْغيبَةُ هيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخاكَ وَ أُختَكَ بِما يَكْرَهانِ. .....

٤ -إنَّ اللهَ يَنْهَى النّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْخَرينَ. .....

٥- اَلسَّعْيُ لِمَعرِفَةِ أَسرارِ الْخَرينَ أَمرٌ جَميلٌ . .....

١-سمى بعض المفسرين سوره الحجرات بعروس القران. غلط است

ترجمه :برخی از مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیدند.

٢-حرم الله فی هاتین الآیتین الاستهزا و الغیبه فقط. غلط است

ترجمه:خداوند در این دو آیه فقط مسخره کردن وغیبت کردن را حرام کرد.

٣-الغیبه هی ان تذکر اخاک و اختک بما یکرهان . درست است

ترجمه :غیبت این است ک تو برادر و خواهرت را یاد کنی به آنچه که آنها را ناراحت می کند(از آن بدشان می آید)

٤-ان الله ینهی الناس عن السخریه من الاخرین. درست است

ترجمه:قطعا خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران بر حذر می دارد

٥-السعی لمعرفه اسرار الاخرین امر جمیل. غلط است

ترجمه: تلاش برای آگاهی از اسرار دیگران کاری زیباست

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ :تَرجِمِ الْحاديثَ التّاليَةَ، ثُمَّ ضَعْ خَطّاً تَحتَ اسْمِ التَّفضيلِ.

١-أعلَمُ النّاسِ ،مَنْ جَمَعَ عِلْمَ الناسِ إلى علمِهِ:.

ترجمه: داناترین مردم کسي است که دانش مردم را به دانش خود بیفزاید.

أعلَم: اسم تفضیل(داناترین)

٢-أحَبُّ عبادِاللهِ إلى اللهِ أنفعهُم لِعبادِهِ:

ترجمه: محبوبترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترینشان نسبت به بندگانش است.

أحبّ: اسم تفضیل(محبوبترین)

أنفع:اسم تفضیل(سودمندترین)

٣-افضل الاعمالِ الکسب مِن الحلال:

ترجمه: بهترین کارها کسب حلال است

افضل:اسم تفضيل(بهترين)

اِختبَرْ نَفْسَكَ :تَرجِمِ العْباراتِ التالّيةَ

١-ربّنا آمنّا فاغفرْ لنا وارْحَمْنا أنت خيرُ الرّاحمين:

ترجمه: پروردگارا ايمان آورديم بر ما ببخشاي وبه ما رحم كن[كه] تو بهترين رحم كنندگاني

خير:اسم تفضيل(بهترين)

٢- خيرُ إخوانكُمْ مَنْ أهدَى إليكمْ عيوبكم:

ترجمه: بهترين برادران شما كسي است كه عيبهايتان را به شما هديه كند

٣- قُلْ أعوذ بربِّ الفلقِ مِنْ شرِّ ما خَلَق:

ترجمه: بگو پناه مي برم به پروردگار سپيده دم از شر آنچه آفريد.

٤-ليلةُ القدرِ خيرٌ مِن ألفِ شهر:

ترجمه: شب قدر بهتر از هزار ماه است

٥-مَنْ غَلبَتْ شَهوته عقلَه فهوَ شرٌّ مِن البَهائم:

ترجمه: هر كسي كه شهوت او بر عقلش غلبه نمايد او از حيوانات بدتراست

٦-شرُّ النّاسِ ذوالوجهين:

ترجمه: بدترين مردم دورويان هستند

اِختبَرْ نَفْسَكَ :تَرجِمِ الْايةَ. وَ العْبارَةَ، ثمَّ عَيِّنِ اسْمَ المْكانِ وَ اسْمَ التفَّضيلِ.

١-وجادِلْهم بِالّتي هِيَ أحسن، إنَّ ربَّكَ هو أعلمُ بِمَنْ ضلَّ عَنْ سَبيلِهِ:

ترجمه: و با آنها به روشي كه نيكوتر است مجادله (ستيز) كن پروردگارت به[حال] كسي كه از راه او منحرف شده داناتر است

أحسن:اسم تفضيل:نيكوتر،خوبتر

أعلم:اسم تفضيل:داناتر

٢-كانتْ مَكتبةُ جندي سابور في خوزستان أكبرَ مكتبةٍ في العالمِ القديم:

ترجمه: كتابخانه جندي شاپور در خوزستان بزرگترين كتابخانه در جهان قديم بود.

مكتبة: اسم مكان: كتابخانه

أكبر: اسم تفضيل: بزرگترين

در گروه های دو نفره شبيه گفت وگوی زير را در كلاس اجرا كنيد

ارسالی جناب آقای سکاکی
حواردرس اول (صفحه ی 17 عربی یازدهم مشترک)

(در بازار مشهد)

زائر عرب	لباس فروش
سلام علیکم (درود بر شما)	علیکم السلام (درود بر شما) ، خوش آمدید .
قیمت این پیراهن مردانه چقدر هست ؟	شصت هزار تومان .
ارزانتر از این میخواهم . این قیمت ها گران(بالا) است .	قیمت پنجاه هزار تومان داریم . بفرما نگاه کن .
چه رنگی دارید ؟	سفید و سیاه و آبی وقرمز و زرد و بنفش .
این پیراهن های زنانه چند تومان هست ؟	قیمت ها از هفتادوپنج هزار شروع می شود تا هشتادوپنج هزار تومان .
قیمت ها گران هست(بالاست) !	خانم ، قیمت بر حسب جنس مختلف است .
این شلوارها چند تومان هست ؟	شلوار مردانه نود هزار تومان ، و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان .
شلوارهایی بهتر از اینها می خواهم .	آن مغازه ی همکارم هست ، شلوارهای بهتری دارد .
در مغازه ی همکارش	
لطفا ، یک شلوار از این جنس به من بده و ... مبلغ چقدر شد ؟	مبلغ دویست و سی هزار تومان شد . بعد از تخفیف به من دویست و بیست هزار بده .

اَلتَّمرينُ الأوَّلُ: أيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِماتِ مُعجَمِ الدَّرسِ تُناسِبُ التَّوضيحاتِ التّالِيَةَ؟

۱ جعَلَهُ حَراماً : .... ◆ آن را حرام گرانید. ▲ (حَرَّمَ)

۲ الَّذی لَیسَ حَیّاً : ..... ◆ کسی که زنده نیست ▲ (مَیْت)

۳ الذُنوبُ الْکَبیرَةُ : ..... ◆ گناهان بزرگ ▲ (کَبائِر)

۴ الَّذی یَقْبَلُ التَّوبَةَ عَن عِبادِهِ : ..... ◆ کسی که توبه را ازبندگانش می پذیرد..

▲ (تَوّاب)

۵ تسمیَةُ الاخَرینَ بِالاسماءِ القَبیحَةِ : ..... ◆ نامیدن دیگران با اسم های زشت.

▲ (تَنابَزْ بِالْأَلقابِ).

۶ ذکَرَ ما لا یَرضَی بِهِ الاخَرینَ فی غیابِهِم : .....

◆ ذکر کرد آنچه را که دیگران در نبودشان به آن راضی نیستند (نمی باشند) ▲ (إغتابَ)

اَلتَّمرينُ الثّاني: تَرْجِمْ هٰذِهِ الْاَحاديثَ النَّبَويَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطلوبَ مِنكَ.

١ حسنُ الخُلقِ نصفُ الدِّينِ .

◆ خوش اخلاقی نصف دین است .

▲ مبتدا : حسن

▲خبر : نصف

٢ منْ ساءَ خُلقُهُ عَذَّبَ نَفسَهُ

◆ هرکس اخلاقش بد شود ، خودش را عذاب می دهد .

▲ مفعول : نفس

٣ إنَّما بُعِثتُ لأتمِّمَ مَكارِمَ الأخلاقِ .

◆ تنها برای این که ارزشهای اخلاق را کامل کنم ، برانگیخته شدم

▲فعل ماضی مجهول : بعثت

▲مفعول : مکارم

٤ أللّهُمَّ كَما حَسَّنتَ خَلْقي ، فَحَسِّنْ خُلُقي .

◆ خدایا همانطور که آفرینشم را نیکو کردی ، اخلاقم را نیکو گردان . .

▲ فعل ماضی : حسنت

▲ فعل امر : حسن

٥ ليسَ شَيءٌ أثقلَ في الميزانِ مِن الخُلُقِ الحَسَنِ ..

◆ چیزی در ترازوی (اعمال) از اخلاق نیکو ، سنگین تر نیست .

▲ اسم تفضیل : أثقل

▲ جار و مجرور : فی المیزان ، من الخلق

اَلتَّمرينُ الثّالِثُ: تَرْجِمِ الْفعالَ وَالْمَصادِرَ التّاليَةَ.

الدرس الثانی	التمرينُ الثالثُ	تَرجِمِ الأفعالَ وَ المَصادِرَالتّالِيَةَ .	
قَدْأحسَنَ	يُحسِنُ	أحسِنْ	إحسان
نیکی کرده است	نیکی می کند	نیکی کن	نیکی کردن
إقتَرَبَ	يَقتَرِبُونَ	لا تَقتَرِبُوا	إقتِراب
نزدیک شد	نزدیک می شوند	نزدیک نشوید	نزدیک شدن
إنكَسَرَ	سَيَنكَسِرُ	لا تَنكَسِرْ	إنكسار
شکسته شد	شکسته خواهد شد	شکسته نشو	شکسته شدن
إستَغفَرَ	يَستَغفِرُ	إستَغفِرْ	إستِغفار
آمرزش خواست	آمرزش می خواهد	آمرزش بخواه	آمرزش خواستن

الدرسُ الأوّلُ	التمرينُ الثالثُ	تَرجِمِ الأفعالَ وَ المَصادِرَ التّالِيَةَ .	
مَاسافَرتُ	لايُسافِرُ	لا تُسافِرْ	مُسافَرَة
سفر نکردم	سفر نمی کند	سفرنکن	سفر کردن
تَعَلَّمَ	يَتَعَلَّمانِ	تَعَلَّمْ	تَعَلُّم
یاد گرفت	یاد می گیرند	یاد بگیر	یاد گرفتن
تَبادَلتُم	تَتَبادَلُونَ	لا تَبادَلُوا	تَبادُل
عوض کردید	عوض می کنید	عوض نکنید	عوض کردن
قَدعَلَّمَ	سَوفَ يُعَلِّمُ	عَلِّمْ	تَعليم
آموزش داده است	آموزش خواهد داد	آموزش بده	آموزش دادن

اَلتَّمرينُ الرّابِعُ: أُكتُبِ الْعَمَليّاتِ الْحِسابيَّةَ التّاليَةَ كَالْمِثالِ:

حل تمرين چهارم (التمرين الرابع)

١) عشرة زائدة أربعة يساوى اربعة عشر . ١٠+٤=١٤

ده به علاوه چهار مساوى چهارده است .

٢) مئة تقسيم على إثنين يساوى خمسين . ١٠٠÷٢=٥٠

صد تقسیم بر دو مساوی پنجاه است .

۳) ثمانية فی ثلاثة یساوی أربعة و عشرین . ۸×۳=۲۴

هشت ضرب در سه مساوی بیست و چهار است .

۴) ستة و سبعون ناقص أحد عشریساوی خمسة و ستین . ۷۶-۱۱=۶۵

هفتاد و شش منهای یازده مساوی شصت و پنج است .

اَلتَّمرینُ الْخامِسُ: عَیِّنِ الْمَحَلَّ الْاعرابیَّ لِلْکَلِماتِ الْمُلَوَّنَةِ.

۱) فَأنزَلَ الله ُ سَکینتَه ُ علی رَسولِهِ و علی المؤمنین َ.

ترجمه : پس خداوند آرامشش را بر فرستاده اش و بر مومنان نازل کرد .

سَکینتَ : مفعول و منصوب

رسول : مجرور به حرف جر

۲) لا یکلِّفُ اللهُ نفساً إلاّ وُسعَها .

ترجمه: خدا به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد .

اللهُ : فاعل و مرفوع / نفساً : مفعول و منصوب .

۳) السّکوتُ ذَهَبٌ و الکلامُ فِضّةٌ .

ترجمه: سکوت کردن طلا هست و سخن گفتن نقره هست .

الکلامُ : مبتدا و مرفوع / فِضّة :ٌ خبر و مرفوع

۴) أَحَبُّ عِبادِ اللهِ إلی اللهِ أَنفَعُهُم لِعِبادِهِ .

ترجمه : محبوب ترین بندگانِ خدا نزدِ خدا سودمندترینشان برای بندگانش است .

أَحَبُّ : مبتدا و مرفوع / عِبادِ مضاف إلیه و مجرور

الله : مجرور به حرف جر / أَنفَعُ : خبر و مرفوع

۵) عَداوَةُ العاقِلِ خَیرٌ مِنْ صَداقَةِ الجاهِلِ .

دشمنیِ دانا بهتر از دوستیِ نادان هست .

عَداوَةُ : مبتدا و مرفوع

خَیرٌ : خبر و مرفوع

صَداقَةِ : مجرور به حرف جر

اَلتَّمرينُ السّادِسُ: تَرْجِمِ التَّراكيبَ وَ الْجُمَلَ التّاليَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفاعِلِ، وَ اسْمَ الْمَفعولِ، وَ اسْمَ الْمُبالَغَةِ، وَ اسْمَ الْمَكانِ، وَ اسْمَ التَّفضيلِ.

۱-پرودگار مشرق(شرق) و مغرب(غرب)

مشرق و مغرب:اسم مکان

۲-ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد

المحسنین:اسم فاعل

۳-ای مهربانترین مهربانان

الراحمین:اسم فاعل

۴-ای پوشاننده هر عیبی

ساتر:اسم فاعل

۵-ای بسیار امرزنده گناهان

غفار:اسم مبالغه

اَلدَّرْسُ الثّاني

ترجمه مدل ۱

في مَحضَرِالْمُعَلِّمِ در پیشگاه مُعَلِّم

في الحِصَّةِ الأُولَى كانَ الطُّ ا لّبُ يَسْتَمِعونَ إلَى كَلِمِ مُدَرِّسِ الكيمياءِ، وَ كانَ بَينَهُم طالِبٌ مُشاغِبٌ قَليلُ الْأَدَبِ، يَضُرُّ الطُّلّبَ بِسُلوكِهِ، يَلتَفِتُ تارَةً إلَى الْوَراءِ وَ يَتَكَلَّم مَعَ الَّذي خَلفَهُ وَ تارَةً يَهْمِسُ إلَى ا لَّذي يَجْلِسُ جَنْبَهُ حينَ يَكْتُبُ المُعَلِّمُ عَلَى السَّبورَةِ.

در زنگ اول، دانش آموزان به سخنان معلم شیمی گوش می دادند، دربین آنها دانش آموزی آشوبگر وکم ادبی بود، با رفتارش به دانش آموزان ضرر میرساند، گاه به پشت سر خود روی بر می گرداند وبا کسیکه پشت سرش بود صحبت می کرد وگاه هنگامی که معلم روی تخته سیاه می نوشت، با کسی که در کنارش می نشست آهسته سخن می گفت.

وَفي الْحِصَّةِ الثانِيَةِ كانَ الطالبُ يَسأَلُ مُعَلِّمَ علْمِ الْأَحياءِتَعَنُّت اً ; وَفِي الْحِصَّةِ الثاالِثَةِ كانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَميلٍ مِثلِهِ وَ يَضحَكُ ؛ فَنَصحَهُ الْمُعَلِّمُ و قالَ :مَنْ لا يَسْتَمِعْ إلَى الدَّرسِ جَيِّداً يَرْسُبْ في الِامْتِحانِ .وَلكِنَّ الطاالِبَ اسْتَمَرَّ عَلَى سُلوكِهِ.

ودر زنگ دوم، دانش آموز برای مچ گیری، از معلم زیست شناسی سؤال می کرد؛ ودر زنگ سوم با همکلّسی شبیه خود صحبت می کرد ومی خندید؛ مُعَلِّم اورانصیحت کرد و گفت : هرکس خوب به درس گوش ندهد در امتحان مردود می شود .ا ا ما دانش آموز به رفتارش ادامه داد.

فَكَّرَ مِهرانُ حَولَ هذِهِ الْمُشكِلَةِ، فَذَهب إلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفارِسيِّ وَشَرَح لَه القَضية وَقالَ : أُحِبُّ أَنْ أَكتُبَ إنشاءً تَحتَ عُنوانِ" في مَحضَرِالمُعَلِّمِ;" فَوافَقَ الْمُعَلامُ عَلَى طَلَبِهِ وَقالَ لَه:

مهران پیرامون این مشکل اندیشید، پس نزد معلم ادبیات فارسی رفت وموضوع را برایش توضیح داد و گفت : دوست دارم انشائی با عنوان"در پیشگاه معلم "بنویسم؛ پس معلم با درخواستش موافقت کرد و به او گفت:

إنْ تُطالِعْ كِتابَ" مُنْيَةِ الْمُريدِ" لِزَينِ الْ ا دينِ الْعامِلِ ا ي" الشَّهيدِ الثاني"يُساعِدْكَ على كِتابةِ إنشائِكَ ; ثُمَّ كَتَبَ مهرانُ إنشاءَه وَأَعطاه لِمُعَلِّمِهِ . فَقالَ الْمُعَلِّمُ لَه: إنْ تَقْرَ أ إنشاءَكَ أَمامَ الْطُّلّبِ فَسَوفَ يَتَنَبَّه زَميلُكَ الْمُشاغِبُ.

اگر کتاب"مُنْيَةِ الْمُريدِ " از زين ال ا دينِ العامِلي"شهيد ثانی "را مطالعه کنی، تو رادر نوشتن انشایت کمک می کند ، سپس مهران انشایش را نوشت و آن را به معلمش داد . معلم به او گفت :اگر انشایت دربرابر دانش آموزان بخوانی، همکلّسی آشوبگرت متوجه خواهد شد.

وَ هذا قِسْمٌ مِن نَصِّ إنشائِهِ:

واین بخشی از متن انشاء اوست:

...أَلَّفَ عَدَدٌ مِ ن الْعُلَماءِ كُتُب اً في مَجالاتِ التَّربيَةِ وَالتَّعليمِ،يَرتَبِط بَعضُها بِالمُعَلِّمِ، وَالأُخرَى بِالمُتَعَلِّمِ ; وَلِلطالِبِ في مَحضَرِالمُعَلِّمِ آدابٌ، مَن يَلْتَزِمُ بِها يَنجَحْ ; أَهَمُّها:

...تعدادی از دانشمندان، کتابهایی در زمینه های آموزش و پرورش تألیف کردند، برخی از آنها به مُعلم و برخی دیگر به دانش آموز مربوط می شود ;قطعا برای دانش آموز درپیشگاه معلم آدابی وجود دارد، که هرکسبه آن پایبند باشد؛ موفق می شود؛ مهمترین آنها:

١-أَن لا يَعصيَ أَوامِرَ الْمُعَلِّمِ . از فرمان های معلم سرپیچی نکند.

٢ . اَلإجْتِنابُ عَن كَلِّمٍ فيهِ إساءَة لِلْدب . دوری کردن از سخنی که در آن بی ادبی باشد.

٣ . أَن لا يَهْرُبَ مِن أَداءِ الْواجِبات اَلْمَدرسيَّةِ .ازانجام تکالیف مدرسه فرار نکند.

٤. عَدَمُ الْنَّومِ في الصَّفِّ،عِندَما يُدَرِّسُ الْمُعَلِّمُ . هنگام درس دادن معلم، درکلّس نخوابد.

٥ . أَن لا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيرِهِ مِنَ الطُّلّبِ عِندَما يُدَرِّسُ المُعَلِّمُ . هنگامی که معلم می دهد با دیگر دانش آموزان صحبت نکند.

٦. أَنْ لا يَقطَعَ كَلّمَهُ، وَلايَسْبقَه بِالْكَلِّمِ،وَيَصْبِرَحَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الكَلِّمِ.

سخنش را قطع نکند، و در سخن از او پیشی نگیرد، وصبر کند تا از سخن گفتن فارغ شود.

٧. الْجُلوسُ أَمامَه بِأَدَبٍ،وَالِاستِماعُ إلَيهِ بِدقَّةٍ وَ عَدَمُ الِالْتفاتِ إلَى الْوراءِ إ ا لا لِضَرورَةٍ.

با ادب در برابر او نشستن، وبا دقت به سخنانش گوش دادن، وروی بر نگرداندن به پشت سر مگر هنگام ناچاری.

لاما سَمِعَ الطالِبُ الْمُشاغِبُ إنشاءَ مهران، نَدِمَ وَ خَجِلَ عَلَى سُلوكِهِ في الصَّفِّ.

وقتی دانش آموز آشوبگر، إنشای مهران را شنید، پشیمان شد واز رفتارش در کلّس خجالت کشید.

قالَ ال ا شاعِرُ المصريُّ،أحمَدشوقي عن المُعَلِّم : احمد شوقی، شاعر مصری درباره معلم گفت:

قُمْ لِلمُعَلِّمِ وَفِّهِ التَّبجيلا برای معلم برخیز و احترامش را کامل بجای آور

كادَ المُعَلِّمُ أَنْ يكونَ رَسولا نزدیک بود معلم(چون)پیامبر باشد

أَعَلِمْتَ أَشرَفَ أَوْ أَجَلَّ مِنَ الَّذى آیا فهمیدی(که او)بزرگوارتر و گرانقدرتر از کسی است که

يَبْني وَ يُنْشِئُ أَنفُس اً وَ عُقولا می سازد و جانها وخردها را پرورش می داد

أُكتُبْ جَواباً قَصيراً، حَسَبَ نَصِّ الدَّرسِ.

١ إلى مَنْ ذَهَبَ مِهْرانُ؟

- ترجمه : مهران نزد چه کسی رفت ؟
- ذهَبَ مِهْرانُ إلى مُعَلِمِ الْأدَبِ ألْفارسي
- مهران نزد معلم ادبیات فارسی رفت.

٢ كيْفَ يَجِبُ الْجُلوسُ أمامَ الْمُعَلِّم

- نشستن جلوی معلم چگونه باید باشد ؟
- على التِّلْميذِ أنْ يَجْلِسَ أمامَ الْمُعَلِّمِ بِأدَب
- دانش آموز باید در مقابل معلم با ادب بنشیند.

٣ كيْفَ أخْلاقُ الْطّالبِ الَّذى كانَ يَلْتَفَتُ إلى الْوَراءِ ؟

- اخلاق (رفتار) دانش آموزی که به عقب رو برمی گرداند چگونه بود؟
- كانَ طالِباً مُشاغِباً وَ قَليلُ الْأدَبِ
- دانش آموز شلوغ و بی ادبی بود.

٤ ما اسْمُ الْكِتابِ الَّذي قَرَأَهُ مِهْرانُ في مَجالِ الْتَرْبِيَةِ وَ الْتَعْليم

- نام کتابی که مهران آن را در زمینه پرورش و آموزش خواند چیست؟
- كتابُ"مُنْيَةِ الْمُريدِ لِزَيْدِ الدّين عامِلي" الشَّهيد الْثانِي"
- کتاب منیة المریدِ زین الدین عاملی شهید دوم

٥ في أيِّ حِصَّةٍ كانَ الْطُلّابُ يَسْتَمِعونَ الى كَلامِ أُسْتاذِ الْكيمياءِ؟

🔻در کدام زنگ دانش آموزان به سخن استاد شیمی گوش فرا می دادند ؟

▲في الْحِصَّةِ الْأولى كانَ الْطَلّابُ يَسْتَمِعونَ الي كَلامِ أُسْتاذِ الْكيمياءِ

▲در زنگ اوّل دانش آموزان به سخن استاد شیمی گوش فرا می دادند .

اِختَبَرْ نفسَكَ: ترجِمِ الْآياتِ، ثمَّ عَيِّنِ أدَاةَ الشَّرطِ وَ فعلَ الشَّرطِ، وَ جوابَهُ.

الدرس الثاني
#عربي_مشترك_يازدهم
#اختبرنفسك

♻ارسالي خانم رسولي

🔻 ترجم الآيات ثمّ عيّن أداة الشرطِ و فعل الشرطِ و جوابه :

1️⃣ وماتُقدِّموا لأنفُسكُمْ مِنْ خيرٍ تَجِدوهُ عندالله
🔷 ترجمه : و هرچه از خوبي براي خودتان پيش بفرستيد آن را نزد خدا مي يابيد

🔺 ما : أداة الشرط
🔺 تقدّموا : فعل الشرط
🔺 تجدوا : جواب الشرط

2️⃣ إنْ تنصُروا اللهَ يَنصُرْكمْ و يُثبِّتْ أقدامَكمْ :
🔷 ترجمه : اگر خدا را ياري كنيد (خدا) شما را ياري مي كند و قدمهايتان را استوار مي سازد.

🔺 إنْ : أداة الشرط
🔺 تنصروا: فعل الشرط
🔺 ينصُرْكُمْ : جواب الشرط

3️⃣ و إذا خاطَبَهُمُ الجاهلونَ قالوا سلاماً :
🔷 ترجمه : و اگر افراد نادان آنهارا خطاب كنند سخن آرام مي گويند.
🔷 ترجمه لفظي : و اگر افراد نادان آنها را خطاب كردند سخن آرام گفتند

🔺 إذا : أداة الشرط
🔺 خاطبَ : فعل الشرط
🔺 قالوا : جواب الشرط

#درس۲_إختبرنفسک
21:24

اَلتَّمْرينُ الْاوَّلُ :عَيِّنِ الْجُملَةَ الصَّحيحَةَ وَ غَيرَ الصَّحيحَةِ حَسَبَ الْحَقيقةِ ×√

#الدرس الثاني
#عربی-مشترک-یازدهم
#التمرین الأوّل

♻ ارسالی خانم صادقیان

🔷 أكْتُبْ جواباً حَسَبَ النَصِ الدَرسِ

1 اَلتَعَنُتَ طَرحُ سُوالٍ صَعبٍ بِهَدَفِ ايجادِ مَشَقَّةٍ لِلْمَسئولِ
🔷 ترجمه :
مچ گیری طرح سؤال سخت به هدف ایجاد مشقّت برای سؤال شونده است.
👈 درست

2 عِلْمُ الأحياء عِلْمُ مَطالِعَةِ خَواصُ الْعَناصِرِ
🔷 ترجمه :
زیست شناسی دانش مطالعهٔ ویژگیهای مواد است.
👈 غلط

3 ألإلْتِفاتُ هُوَ كَلامٌ خَفِيٌّ بَينَ شَخْصَيْنِ .
🔷 ترجمه :
التفات همان سخن پنهانی بین دو نفر است.
👈 غلط

4 ألسَبُّورَةُ لَوحٌ أمامَ الطُّلابِ يُكْتَبُ عَلَيْه
🔷 ترجمه :
تخته سیاه تابلویی در مقابل دانش آموزان است که بر آن نوشته می شود.
👈 درست
21:38 ✓

اَلتَمرين الثّاني :ترْجِمِ الْايةَ. وَ الْاحَاديثَ وعَيِّنِ فِعْلَ الشَّرْطِ وَ جوابهُ، ثمَّ. عَيِّنِ الْمَطلوبَ مِنكَ.

١ و ما تُنفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإنَّ اللهَ بِهِ عَليمٌ .

🔶 ترجمه : و هر آنچه از خیر و نیکی انفاق کنید مسلّما خداوند به آن آگاه است .

▲ما : اداة شرط

▲ تنفِقُوا : فعل شرط

▲فإنَّ اللهَ بِهِ عَليمٌ : جواب شرط

ْ▲خيْرٍ : مجرور به حرف جر

▲منْ خَيْرٍ : جار و مجرور.

۲ منْ عَلَّمَ عِلْماً فَلَهُ أجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهِ لايَنقُصُ مِنْ أجْرِ العامِلِ .

◆ هر کس دانشی را یاد دهد پس او پاداشِ کسی را دارد که به آن عمل می کند و از پاداشِ عمل کننده کم نمی شود .

▲منْ : اداة شرط

▲علَّمَ: فعل شرط

▲فلَهُ أجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهِ : جواب شرط

▲العامِلِ : اسم فاعل

۳ النّاسُ أعداءُ ما جَهِلُوا .

◆ مردم دشمن چیزی هستند که ندانستند (نمی دانند).

▲أعداءُ : جمع مکسر

▲مفرد آن : عَدُوّ

۴ إذا تَمَّ العَقلُ نَقَصَ الكَلامُ .

◆ هر گاه عقل کامل شَوَد سخن کم می شَوَد.

▲إذا : اداة شرط

▲ تمَّ : فعل شرط

▲نقَصَ : جواب شرط▲العَقلُ : فاعل

▲الكَلامُ : فاعل

۵ العالِمُ حَيٌّ وَ إنْ كانَ مَيّتاً .

◆ دانشمند زنده است و اگر چه مُرده باشد.

▲العالِمُ : مبتدا و مرفوع

▲حيٌّ : خبر و مرفوع

⑥ قمْ عَنْ مَجلِسِکَ لِأبیکَ وَ مُعَلِّمِکَ وَ إنْ کُنْتَ أَمیراً .

◆از جایت به خاطرِ پدرت و معلمت برخیز اگر چه فرمانده باشی . .▲مجلِسِ : اسم مکان

▲معَلِّمِ : اسم فاعل

اَلتَّمرینُ الثّالِثُ :تَرْجِمِ الْأَفعالَ وَالْمَصادِرَ التّالیَةَ.

ارسالی آقای سکاکی

تمرین سوم درس دوم (صفحه ی 22 عربی یازدهم عمومی)

الماضی	المُضارع	الأمرُ وَ النَّهیُ	المَصدَر
قَدأنقَذَ : نجات داده است	یُنقِذُ : نجات می دهد	أنقِذْ : نجات بده	الإنقاذ : نجات دادن
إبتَعَدَ : دور شد	لا یَبتَعِدُ : دور نمی شود	لاتَبتَعِدْ : دور مشو	الإبتعاد : دور شدن
إنسَحَبَ : عقب نشینی کرد	سَیَنسَحِبُ :عقب نشینی خواهد کرد	لا تَنسَحِبْ : عقب نشینی نکن	الإنسحاب : عقب نشینی کردن
إستَخدَمَ : به کار گرفت	یَستَخدِمُ : به کار می گیرد	إستَخدِمْ : به کار بگیر	الإستخدام : به کار گرفتن
جالَسَ : همنشینی کرد	یُجالِسُ : همنشینی می کند	جالِسْ : همنشینی کن	المُجالَسَة : همنشینی کردن
تَذَکَّرَ : به یاد آورد	یَتَذَکَّرُ : به یاد می آورد	لا تَتَذَکَّرْ : به یاد میاور	التَّذَکُّر : به یاد آوردن
تَعایَشَ : همزیستی کرد	یَتَعایَشُ : همزیستی می کند	تَعایَشْ : همزیستی کن	التَّعایُش : همزیستی کردن
قد حَرَّمَ : حرام کرده است	یُحَرِّمُ : حرام می کند	لا تُحَرِّمْ : حرام نکن	التَّحریم : حرام کردن

اَلتَّمرينُ الرّابِعُ :ضَعْ هٰذِهِ الْجُمَلَ وَ التَّراكيبَ في مَكانِهَا الْمُناسِبِ.

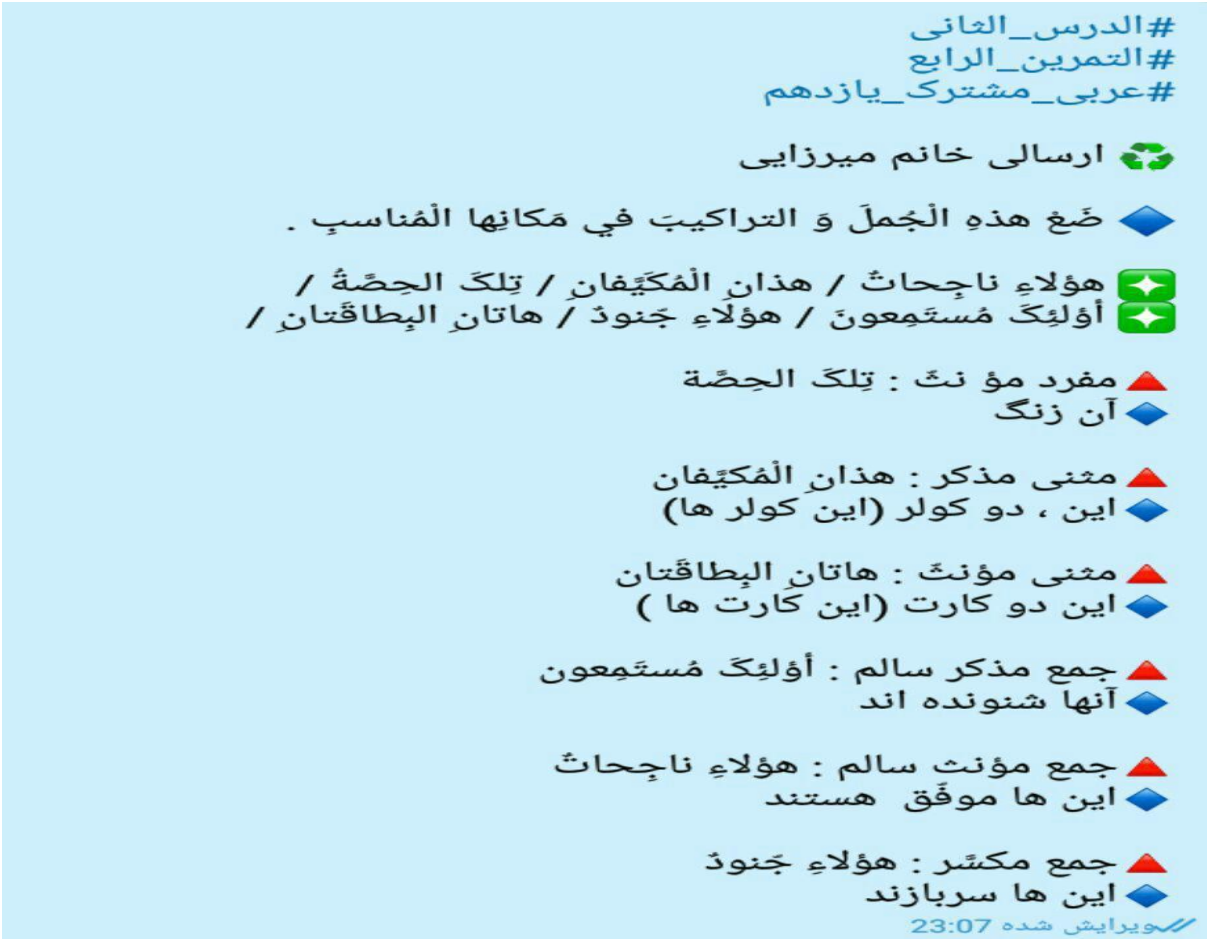

اَلتَّمرينُ الْخامِسُ :ضَعِ الْمُتَادِفاتِ وَ الْمُتَضادّاتِ في مَكانِهَا الْمُناسِبِ(≠ =)

#الدرس-الثانی
#التمرین_الخامس
#عربی_مشترک_یازدهم

♻️ ارسالی خانم میرزایی

🔷 ضَعِ الْمُترادفاتِ وَ الْمُتَضاداتِ في مَكانِها الْمُناسِبِ .

🔶 وُدّ / بَعُدَ / تَكَلَّمَ / اِجلِس/ نِهايَة / عَداوَة /
🔶 اِحتِرام / أحياء / مَرَّةً / نَفَعَ /ذَنْب / هَرَبَ /

🔶 إثم = ذَنْب : گناه
🔶 تَبجيل = اِحتِرام ، بزرگداشت
🔶 تارَةً = مَرَّةً : یکبار (گاهی)
🔶 حُبّ = وُد : عشق
🔶 فَرَّ = هَرَبَ : فرار کرد (گریخت)

🔶🔶🔶🔶🔶🔶🔶🔶🔶🔶🔶🔶🔶🔶🔶🔶🔶🔶

🔶 أمْوات ≠ أحياء (مردگان ≠ زندگان)
🔶 دَنا ≠ بَعُدَ (نزدیک شد ≠ دور شد)
🔶 قُم ≠ اِجلِس (برخیز ≠ بنشین)
🔶 ضَرَّ ≠ نَفَعَ (ضرررکرد ≠ منفعت کرد)
🔶 بِدايَة ≠ نِهايَة (ابتدا ≠ پایان)
🔶 سَكَتَ ≠ تَكَلَّمَ (سکوت کرد ≠ صحبت کرد)
🔶 صَداقَة ≠ عَداوَة (دوستی ≠ دشمنی)

23:27 ✓

اَلتَمرينُ السّادِسُ :أكَمْلْ ترَجَمَةَ الْايات والحْاَديثَ، ثمَّ عَيّنْ أدَاةَ الشَّرطِ وفعِل الشَّرطِ، وَ جوابهَ.

#الدرس_الثانی
#عربی_مشترک_یازدهم
#التمرین_السّادس

أكمِل ترجمةَ الآياتِ و الحديثَ ، ثُمَّ عَيّنْ أداةَ الشَّرطِ وَ فِعلَ الشَرطِ و جَوابَهُ .

1 وَ ما تَفعَلوا مِن خَيرٍ يَعلَمهُ اللّهُ .
ترجمه :
و آنچه از کار خیر ... (انجام دهید) ، خدا آن را می داند .
ما : اداة شرط
تَفعَلوا : فعل شرط
يَعلَم : جواب شرط

2 إنْ أحسَنتُم أحسَنتُم لِأنفُسِكُم .
ترجمه :
اگر نیکی کنید ، به خودتان ... (نیکی کردید)
مَنْ : اداة شرط
أحسنتم : فعل شرط
أحسنتم : جواب شرط

3 إنْ تَتَّقُوا اللّهَ يَجعَل لَكُم فرقاناً .
ترجمه :
اگر از خدا پروا کنید ، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل ... (قرار می دهد)
إن : اداة شرط
تَتَّقوا : فعل شرط
يَجعَل : جواب شرط

4 مَنْ سَألَ في صِغَرِهِ ، أجابَ في كِبَرِهِ .
ترجمه :
هر کس در خُردسالی اش بپرسد ، در بزرگسالی اش ... (جواب دهد)
مَنْ : اداة شرط
سَألَ : فعل شرط
أجابَ : جواب شرط

اَلدَّرْسُ الثّالِثُ

شگفتیهای درختان

پدیده های طبیعت یک حقیقت را اثبات می کنند وآن قدرت خداست. واکنون بعضی از این پدیده ها راتوصیف می کنیم:

انگور برزیلی درختی است که با بقیه درختان جهان تفاوت دارد، در برزیل می روید، و میوه های آن روی تنهاش رشد می کند واز مهم ترین ویژگی های این درخت اینست که در طول سال میوه می دهد.

درخت سکویا درختی از بلندترین درختان جهان در کالیفرنیا است، گاهی بلندی بعضی از آنها به بیش از ۱۰۰مترمی رسد و گاهی قطر آن بالغ بر ۹ متر می شود، و عمرش تقریباً افزون بر ۳۵۰۰ سال می شود.

درخت خفه کننده درختی است که دربعضی از جنگلهای استوایی رشدمی کند، زندگیش را با پیچیدن دور تنه.و شاخه ی درختی آغاز می کند، سپس به تدریج آن را خفه می کند. نوعی از آن در جزیره ی قشم وجودداردکه دراستان هرمزگان واقع است .

درخت نان درختی استوایی است که در جزایر اقیانوس آرام رشد می کند، و درانتهای شاخه هایش میوه هاییمثل نان دارد. مردم مغز این میوه ها را می خورند.

درخت نفت درختی است که کشاورزان آن را مانند پرچینی دور مزرعه ها برای حفاظت محصولاتشان ازحیوانات به کار می گیرند. زیرا بوی این درخت بد و ناخوشایند است که حیوانات از آن فرار می کنند، ودانههایش مقداری روغن دربردارد که سوختن آن ها باعث خارج شدن هیچ نوع از گازهای آلوده کننده نمی شود.و تولید نفت ازآن امکان دارد)ممکن است(. ویک نوع ازآن به اسم درختِ مداد درشهر نیکشهر در استانسیستان وبلوچستان وجود دارد.

درخت بلوط از درختان کهنسال است و گاهی ۲۰۰۰ سال عمر می کند. جنگل های زیبایی از آن در استانایلام و استان لرستان وجود دارد. سنجاب بعضی از دانه های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می کند، و گاهی جایش را فراموش می کند. ودر سال آینده آن دانه بلوط رشد می کند ودرختی می شود.

کشاورزی کنید ونهال بکارید ... به خدا سوگند مردم کاری را حلال تر وخوب تر از آن انجام نداده اند.

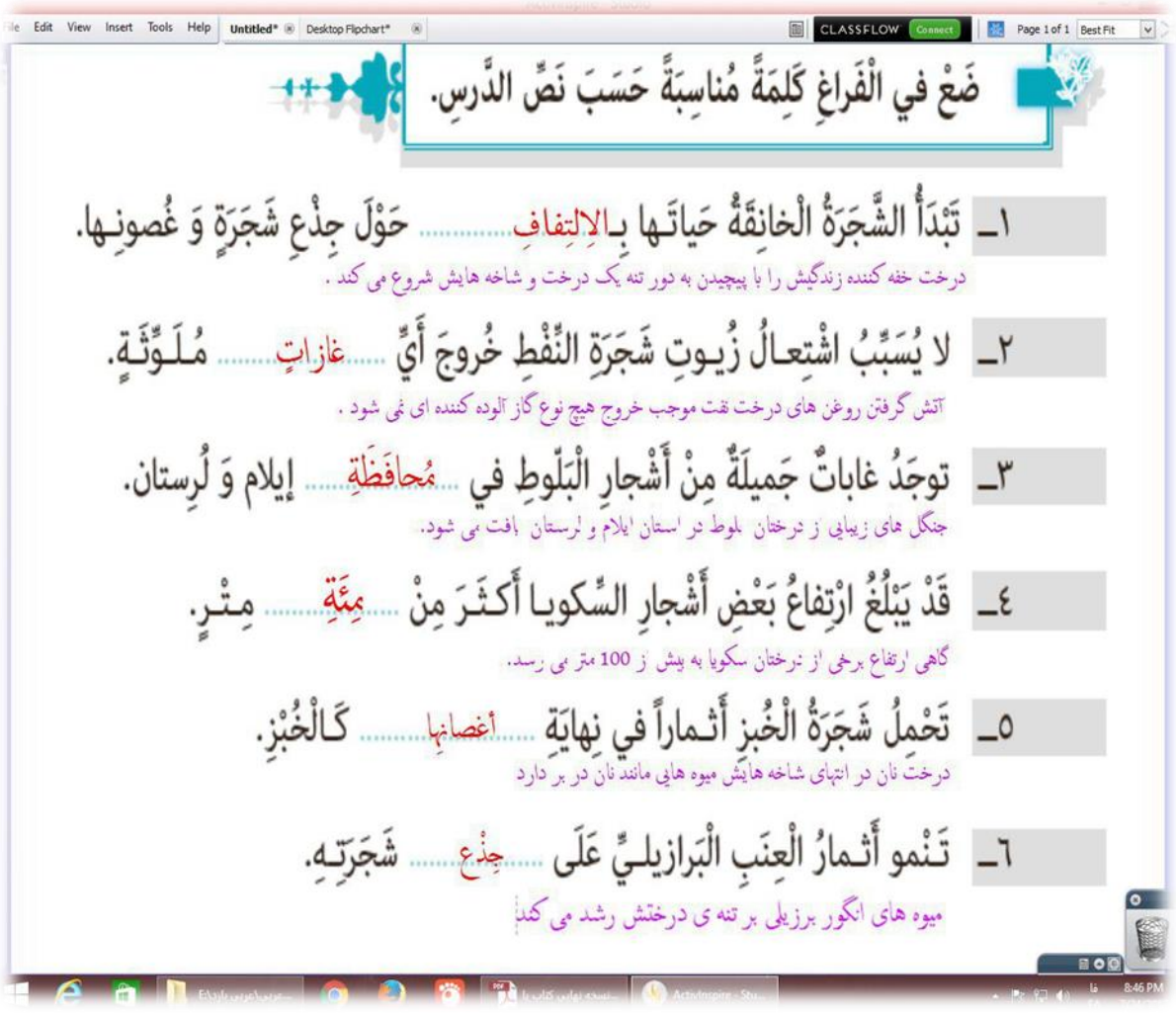

#الدرس_الثالث
#اختبر_نفسک
#عربی_مشترک_یازدهم

ارسالی خانم میرزایی ص (۳۰)

إختَبَر نَفسَکَ: تَرجِم حَسبَ قواعِدِ المعرفَةِ وَ النَکرَةِ .

۱- اللّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ.

خدا نور آسمان ها و زمین است ؛ وصف نورش مانند چراغدانی است که در آن چراغی است ، چراغ در میان قندیل بلورینی(شیشه ای) است ، که آن قندیل بلورین(شیشه ای) گویی ستاره تابانی است .

۲- أرسَلنَا إلَىٰ فِرعَونَ رَسُولاً فَعَصَى فِرعَونُ الرَّسُولَ .
المزمل(۱۵و۱۶)

نزد فرعون ، رسولی فرستادیم پس فرعون از (آن) رسول نافرمانی کرد .

۳- عالِمٌ يُنتَفَعُ بِعِلمه ، خيرٌ مِن ألفِ عابِدٍ .(رسول الله "ص")

دانشمندی که از علم آن بهر برده می شود از هزار عابد بهتر است .

ارسالی آقای سکاکی حواردرس سوم (صفحه ی 38 عربی یازدهم عمومی)

(دروورزشگاه)

اسماعیل	ابراهیم
بیا به ورزشگاه برویم .	برای دیدن چه مسابقه ای ؟
برای دیدن مسابقه ی فوتبال .	این مسابقه بین کیه ؟
بین تیم صداقت و سعادت است . آن را به یاد می آورم .	دو تیم دو هفته قبل مساوی شدند . أکدام تیم قویتر هست ؟(کدام یک از دو تیم)
هردو قوی هستند . باید به ورزشگاه برویم قبل از اینکه از تماشاچی ها پُر شود .	به چشم . بیا برویم .
در ورزشگاه	
نگاه کن ؛ یکی از مهاجمین تیم صداقت آمد . گلی ثبت خواهد کرد .(یک گل خواهد زد)	او به سمت دروازه بان سعادت حمله کرد . گل ، گل !
اما داور گل را نپذیرفت ؛ چرا ؟!	شاید به خاطر أفساید . نمی دانم . آه ، خطا
نگاه کن ، حمله ای قدرتمند از جانب بازیکن صداقت .	آفرین ، دروازه بان تیم سعادت مرا خیلی شگفت زده می کند .
ساعت چند است ؟	دو دقیقه به پنج .
داور سوت می زند .	بار دوم بدون گل مساوی شدند .

الدرس_الثالث
#عربی_مشترک_یازدهم
التمرین _ الأول

♻️ ارسالی خانم رحیمی

♦️ أیُّ کَلِمَةٍ مِنْ کَلِماتِ مُعْجَمِ الدّرسِ تُناسِبُ التَّوضیحاتِ التّالیةِ

1️⃣ بَحرٌ یُعادِلُ ثُلثَ الأرضِ تَقریباً.
🔷 ترجمه : دریایی که تَقریباً معادل یک سومِ زمین است .

🔺 المحیط الهادئ : اقیانوس آرام

2️⃣ اَلتَّجَمُّعُ وَ الدّورانُ حَولَ شَیءٍ .
🔷 جمع شدن و چرخیدن اطراف چیزی .

🔺 التفات : در هم پیچیدن

3️⃣ اَلّذی یُعطیهِ اللهُ عُمراً طَویلاً .
🔷 کسی که خدا به او عمری طولانی می بخشد (می دهد) .

🔺 مُعَمَّر : کهن سال

4️⃣ اَلّذی یَعمَلُ فی اَلمَزرَعَةِ .
🔷 کسی که در مزرعه کار می کند .

🔺 مُزارِع ، فَلّاح ، زارع : کشاورز

5️⃣ صِفاتُ أَحدٍ أَوْ شَیءٍ .
🔷 صفات کسی یا چیزی .

🔺 مُواصِفات : ویژگی ها

الدرس_الثالث
#عربی_مشترک_یازدهم
#التمرین_الثانی

♻️ ارسالی خانم صادقیان

♦️تَرْجِمِ الْاحادیثَ النَّبَویةَ ثُمَّ عَیِّنِ الْمَطْلوبَ مِنْکَ

1️⃣ ما مِنْ مُسْلِمٍ یَزْرَعُ زَرْعاً أو یَغْرِسُ غَرْساً فَیَأکُلُ مِنْهُ طَیْرٌ أو إنْسانٌ أو بَهیمَةٌ إلّا کانَتْ لَهُ صَدَقَةٌ

🔷 ترجمه : هیچ مسلمانی نیست که زراعتی کشت کند یا نهالی بکارد پس پرنده یا انسان یا چارپایی از آن بخورد جز اینکه برای او صدقه باشد.
🔺جارومجرور : مِنْ مُسْلِمٍ
🔺 اسم فاعل : مُسْلِمٍ

2️⃣ ما مِنْ رَجُلٍ یَغْرِسُ غَرْساً إلّا کَتَبَ اللّهُ لَهُ مِن الأجْرِ قَدْرَ ما یَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذلِکَ الغَرْسِ

🔷هیچ مردی نیست که نهالی بکارد جز اینکه خداوند به اندازه آنچه از میوه آن درخت خارج می شود ، برای او از پاداش نویسد (نوشت)
🔺فعل ماضی : کَتَبَ
🔺 مفعول : غَرْساً ، قَدْرَ

3️⃣ سُئِلَ النَّبیّ(ص) : أیُّ الْمالِ خَیرٌ ؟ قالَ : زَرْعٌ زَرَعَهُ صاحِبُهُ

🔷 از پیامبر(ص) سوال شد : کدام مال بهتر است؟
گفت (فرمود) : زراعتی که صاحبش آن را بکارد.

🔺فعل مجهول : سُئِلَ
🔺فاعل : صاحِبُ

ویرایش شده 20:35

الدرس_الثالث
#عربی_مشترک_یازدهم
#التمرین_الرابع (ألف)

♻️ ارسالی خانم صادقیان

♦️ ألف: عَيِّنْ التَّرْجِمَةَ الْصَّحيحَةَ حَسَبَ قَواعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكَرَةِ

1️⃣ سَمِعْتُ صَوتاً عَجيباً
🔷 ترجمه : صدای عجیبی را شنیدم

2️⃣ وَصَلْتُ إلي الْقَرْيَةِ
🔷 ترجمه : به روستا رسیدم.

3️⃣ نَظْرَةٌ إلى الْماضي
🔷 ترجمه : نگاهی به گذشته

4️⃣ أَلْعِبادُ الْصَالِحون
🔷 بندگان درستکار

5️⃣ أَلسِّوارُ الْعَتيقُ
🔷 ترجمه : دستبند کهنه

6️⃣ أَلتّاريخُ الذَّهَبِيُّ
🔷 ترجمه : تاریخ زرین

ارسالی آقای سکاکی تمرین پنجم درس سوم (صفحه ی 35 عربی یازدهم عمومی)

اَلفِعلُ الماضی	اَلفِعلُ المُضارِعُ	فِعلُ الأمرِ	اَلمَصدَر	اِسمُ الفاعِلِ
وافَقَ	يُوافِقُ	وافِقْ	اَلتَّوفيق	اَلمُوافِق
	يُوَفِّقُ	وَفِّقْ	اَلمُوافَقَة	اَلمُوَفِّق
تَقَرَّبَ	يُقَرِّبُ	قَرِّبْ	اَلتَّقَرُّب	المُقَرِّب
	يَتَقَرَّبُ	تَقَرَّبْ	اَلتَّقريب	اَلمُتَقَرِّب
تَعارَفَ	يَتَعَرَّفُ	تَعارَفْ	اَلمُعارَفَة	اَلمُتَعارِف
	يَتَعارَفُ	اِعرِفْ	اَلتَّعارُف	اَلمُعَرِّف
اِشتَغَلَ	يَنشَغِلُ	اِشتَغِلْ	اَلإنشِغال	اَلمُشتَغِل
	يَشتَغِلُ	اِنشَغِلْ	اَلإشتِغال	اَلمُنشَغِل

اَلفِعلُ الماضی	اَلفِعلُ المُضارِعُ	فِعلُ الأمرِ	اَلمَصدَر	اِسمُ الفاعِلِ
اِنفَتَحَ	يَفتَتِحُ	اِنفَتِحْ	اَلإستِفتاح	اَلمُتَفَتِّح
	يَنفَتِحُ	تَفَتَّحْ	اَلإنفِتاح	اَلمُنفَتِح
اِستَرجَعَ	يَستَرجِعُ	اِستَرجِعْ	اَلإرتِجاع	اَلمُستَرجِع
	يَرتَجِعُ	راجِعْ	اَلإستِرجاع	اَلمُرَجِّع
نَزَّلَ	يُنزِلُ	اِنزِلْ	اَلنُّزول	اَلمُنَزَّل
	يُنَزِّلُ	نَزِّلْ	اَلتَّنزيل	اَلنّازِل
اَكرَمَ	يُكرِمُ	أَكرِمْ	اَلإكرام	اَلأكرَم
	يُكَرِّمُ	كَرِّمْ	اَلتَّكريم	اَلمُكرِم